

گوانا گوان

سفر رها کن
وز دست بیکفن این عصارا.
آن دم موسی ز دل برون کرد، همسایه
و
خویش و
آشنا را.

مولوی (دیوان شمس)

جست و جو

دی، شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر،
کز دیو و دد ملولم و
انسانم آرزوست.
گفتند: یافت می نشود، جست‌هایم ما!
گفت: آن‌که یافت می نشود! آنم آرزوست.

مولوی (دیوان شمس)



مقبره شمس تبریزی، خوی

لطیفه

طالب علمی پیش مولانا مجدالدین درس می خواند و فهم
نمی کرد. مولانا شرم داشت که او را منع کند. روزی چون کتاب
را باز کرد، نوشته بود: قال «بهزین حکیم».
طالب علم آن را به اشتباه خواند: «بهزین چکنم؟»
مولانا برنجید و گفت: بهزین؟ آن که کتاب درهم زنی و
بروی و بیهوده درد سر ما و خود ندهی.

عبید زاکانی



الامام الکاظم (ع): «لِکُلِّ شَیْءٍ دَلِيلٌ، وَ دَلِيلُ الْعَاقِلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكِّرِ الصُّمْتُ».

امام موسی کاظم (ع) فرمود: «برای هر چیز نشانه‌ای است و نشان عاقل اندیشیدن است و نشان اندیشیدن خاموشی گزیدن»
الامام علی (ع): «مَنْ جَهَلَ وَجُوهَ الْأَرَاءِ اِعْتَبَهُ الْجَحِيلُ».
امام علی (ع) فرمود: «آن‌که از آرا و نظرات مختلف بی‌خبر باشد، در چاره‌جویی‌ها و حل مشکلات درمی ماند».

الحیة



حکایت

شیخ ما قدس الله روحه العزیز، روزی در حمام بود.
درویشی شیخ را خدمت می کرد و دست بر پشت شیخ
می نهاد و شوخ بر بازوی شیخ جمع می کرد، چنان‌که رسم
قایمان گرمابه باشد، تا آن‌کس ببیند که او کاری کرده است.
پس در میان این خدمت، از شیخ سؤال کرد: «ای شیخ!
جوان‌مردی چیست؟» شیخ ما حالی گفت: «آنک شوخ مرد
پیش روی او نیاری».
همه مشایخ و ائمه نیشابور چون این سخن بشنوندند،
اتفاق کردند که کس در این معنا بهتر از این نگفته است.

اسرار التوحید



آتش طور

موسی چو بدید ناگهانی، از سوی درخت، آن ضیا را
گفتا که: ز جست و جوی رستم
چون یافتم این چنین عطارا
گفت: ای موسی!

دو چیستان

۱. چند جان‌دار را نام ببرید که معکوس نامشان، باز هم همان جان‌دار باشد؟ مثل: کبک.
۲. دارم سؤال، خواجه بفرما جواب چیست؟
در یک گلاب‌پاش دو رنگه گلاب چیست؟
سرمای زمهریر که یخ بست، او نبست
آتش بدو رسیدن و بستن، جواب چیست؟

شعر سعدی در چین!

... امیرالامرای چین ما را در خانه خود مهمان کرد و دعوتی ترتیب داد که بزرگان شهر در آن حضور داشتند. در این مهمانی، آشپزهای مسلمان دعوت کرده بودند که گوسپندها را ذبح کرده و غذاها را پختند. سه روز در ضیافت او به سر بردیم. هنگام خداحافظی، پسر خود را به اتفاق ما به خلیج فرستاد. مطربان و موسیقی‌دانان نیز با او بودند و به چینی و عربی و فارسی آواز می‌خواندند. آنان شعری به فارسی می‌خواندند و چندبار به فرمان امیرزاده آن شعر را تکرار کردند، چنان که من از دهانشان فراگرفتم و آن آهنگ عجیبی داشت و چنین بود:

تا دل به محنت دادیم
در بحر فکر افتادیم
چون در نماز استادیم
قوی به محراب اندری*

از سفرنامه ابن بطوطه

* این بیت یکی از ابیات غزلی از سعدی و صورت صحیح آن چنین است:

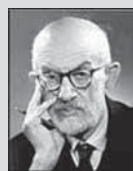
تا دل به مهرت داده‌ام، در بحر فکر افتاده‌ام
چون در نماز استاده‌ام، گویی به محراب اندری



نظامی / خاقانی

خاقانی و نظامی در سفر حج با هم بودند. در آن‌جا عهد کردند هریک زودتر از جهان برود، دیگری او را مرثیه بگوید. خاقانی پیش از نظامی درگذشت و نظامی در مرثیه او سرود:
امیدم بود خاقانی دریغاگوی من باشد
دریغا زان که من گشتم دریغاگوی خاقانی

سعید نفیسی



● همیشه فردایی نیست تا زندگی فرصتی برای جبران غفلت‌هایمان به ما بدهد.

● هیچ‌کس تو را به خاطر نخواهد آورد اگر افکارت را چون رازی در سینه محفوظ داری. خودت را مجبور به بیان آن‌ها کن.

گابریل گارسیا مارکز



واژه‌ها و آدم‌ها

آزادی: اگر قرار باشد انسان‌ها برای برخوردار شدن از آزادی صبر کنند تا کاملاً قدرت تعقل پیدا کنند، بنابراین باید تا ابد انتظار بکشند.

لرد مک کوالی، مورخ انگلیسی

آمار: مرگ یک انسان یک تراژدی است. مرگ میلیون‌ها انسان، یک آمار است.

آمریکا: آمریکا سگی است بزرگ در یک اتاق کوچک که هربار دم خود را تکان می‌دهد، یک صندلی واژگون می‌شود.

آرنولد توین‌بی

اروپای متحد: ما باید نوعی ایالات متحده اروپا تأسیس کنیم.

وینستون چرچیل

تاریخ: تاریخ جهان چیزی جز زندگی نامۀ مردان بزرگ نیست.

توماس کارلایل

پول: هر جا که مقدار زیادی پول جمع شده است، اعتماد به هیچ‌کس جایز نیست.

آگانا کریستی

تجملات: تجملات غم‌انگیزترین چیزی است که من می‌توانم تصور کنم.

چارلی چاپلین

خوش‌بخت‌ها و بدبخت‌ها: خانواده‌های خوش‌بخت همه شبیه یکدیگرند. خانواده‌های بدبخت هر کدام یک شکل دارند.

لئو تولستوی

خوش‌بین: آدم خوش‌بین کسی است که جدول را با خودکار حل می‌کند!

کین شورت

زمنستان: روسیه دو ژنرال مورد اعتماد دارد: ژنرال ژانویه و ژنرال فوریه!

نیکولای اول. تزار روس

فرهنگ فشرده نقل قول‌های جهان
ترجمه فریدون اخوان ثالث



● همه می‌خواهند بر فراز قلۀ کوه زندگی کنند، ولی فراموش کرده‌اند که مهم صعود از کوه است.